ارث و رضاع

طبق منابع اهل سنت

تألیف:
عبدالعزیز تایید

بسم الله الرحمن الرحيم

ارث و رضاع

سرشناسه	:	تایید، عبدالعزیز، ۱۳۰۲ -
عنوان و نام پدیدآور	:	ارث و رضاع درفقه امام شافعی/ تالیف عبدالعزیز تأیید.
مشخصات نشر	:	مریوان: امام ربانی، ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهری	:	۳۲ص.: جدول.
شابک	:	978-600-92091-3-7
وضعیت‌فهرست‌نویسی	:	فیپا
موضوع	:	ارث (فقه شافعی)
موضوع	:	شیر مادر
رده بندی کنگره	:	BP۱۷۷/۲ت‌الف۴ ۱۳۸۹
رده بندی دیویی	:	۲۳۳/۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی	:	۴۵۱۱۲۲۲

ارث و رضاع

تألیف:

عبدالعزیز تأیید



انتشارات امام ربانی



انتشارات امام ربانی

ارث و رضاع

✓ نام کتاب:	ارث و رضاع
✓ مؤلف:	عبدالعزیز تأیید
✓ آماده سازی:	محمد محمدزاده
✓ نوبت چاپ:	اول: ۱۳۹۴
✓ تیراژ:	۱۰۰۰ جلد
✓ تعداد صفحه و قطع:	۳۲ صفحه‌ی وزیری
✓ ناشر:	امام ربانی

قیمت: ۳۰۰۰ تومان

شابک: ۷ ـ ۳ ـ ۹۲۰۹۱ ـ ۶۰۰ ـ ۹۷۸

ISBN: 978 - 600 - 92091 - 3 - 7

فهرست

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إنّمَا الأَعْمالُ بِالنِّيّاتِ

مقدّمه

سپاس و ستایش مر خدای را سزد که به پاسخ سؤال ﴿لِّمَنِ ٱلْمُلْكُ ٱلْيَوْمَ﴾ غافر: ۱۶ ذرّات هستی هر دو عالم از آن او است و بازگشت همه بدو است. و صلاة و سلام بر رسول خدا محمّد مصطفیٰ و یارانش که وارثین احکام شریعتند؛ إلیٰ یَوْمِ الدِّینِ. و بعد نظر به اینکه انسان در این دنیای فانی عاقبت به حکم ضرورت روزی خواهد رسید که طومار عمر و حیاتش طیّ شده و چراغ عمرش رو به خاموشی می‌رود و با رسیدن پیك مرگ ما مَلَك خود را به بازماندگان و آیندگان وا می‌گذارد و خداوند متعال به فرمان: ﴿لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ ٱلْوَٰلِدَانِ وَٱلْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَآءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ ٱلْوَٰلِدَانِ وَٱلْأَقْرَبُونَ﴾ النساء: ۷ توارث بازماندگان را از گذشتگان تشریع فرموده‌اند و لذا این چند برگ ساده که در فقه «میراث و رضاع» تهیه و تنظیم گردیده به دوستان و برادران عرضه می‌شود که در موقع احتیاج مورد استفاده قرار گیرد. برادران مسلمان! اگر می‌خواهید در این سیر تدریجی و تناوب وجود در دنیای فانی و خاکی برای خویشان و اقربای متوفّای خود خلف صالح و شایسته و باوفا باشید، قبل از تقسیم ترکه با انجام امور زیر به ترتیب از اصل ترِکه مبادرت ورزید:

۱ـ خرج و هزینه‌ی تجهیز و تکفین و دفن میّت بدون تقتیر و اسراف از اصل ترِکه تأدیه شود. ناگفته نماند این همه خرج و مخارج که امروز معمول شده و صرف تزئینات بنای قبور می‌شود، شرعاً جائز و روا نمی‌باشد. زیرا این کار از جهتی اضاعه‌ی مال و از طرف دیگر چنین به نظر می‌رسد که جنبه‌ی ریا و افتخار به آن داده‌اند و مردم شدیداً در این عمل ناروا مسابقه و منافسه می‌کنند، حال آنکه اسراف‌کاری و ریا و اضاعه‌ی مال در اسلام مذموم و حرام شمرده شده است.

۲ـ دیون و بدهکاری‌هایی که بر ذمّه‌ی میّت و بر اموال و ترکه‌ی او تعلّق گرفته است اعم از حقّ اللّه و حقّ النّاس قبل از تقسیم ترکه باید تأدیه شوند و در تأدیه‌ی حقوق، حقّ النّاس مقدّم بر حقّ اللّه است. (لِأَنَّهُ تَعالَیٰ هُوَ الْغَنِيُّ وَنَحْنُ الْفُقَراءُ) و ضمناً صِداق و مهریه‌ی

زوجات جزء دیون است باید قبل از تقسیم ترکه به زوجه تأدیه شود. (دیه[1] (یعنی خون‌بهای مقتول) نیز جزو ترکه است و مانند باقی ترکات دیگر در بین وارث مقتول تقسیم خواهد شد).

فایده ـ فقهاء رَحِمَهُمُ اللّٰهُ تَعَالیٰ معتقدند: هر دیون و اموالی که میّت بر مردم دارد، و وارثش آن را پس نگرفته باشد ثواب اخروی این دیون و اموال برای میّت خواهد بود، نه برای وارثش زیرا وارث تا دیون را قبض نکند مالك آن نخواهد شد. (برماوی بربجیرمی).

۳ـ وصایای میّت که صورت و شرایط شرعی به خود گرفته است تنفیذ و روبراه شوند. پس از انجام موارد فوق آنچه از ترکه باقی‌مانده ورثه در بین خود به طوری‌که خداوند متعال دستور تقسیم آن را داده است تقسیم کنند.

خطر عظیم: در عصر کنونی بعضی از مسلمانانِ سست ایمان و ناآگاه از اسلام و دین، از مدار شرع و دستور الهی خارج شده و در حالی‌که میلیون‌ها ثروت و ملك و دارایی دارند سفارش می‌کنند و یا کتباً می‌نویسند پس از مرگ نامبارك‌شان به هر یك از دختران ایشان مثلاً مبلغی معلوم و ناچیز داده شود. تا بدین سبب دختران بیچاره که از پربرکت‌ترین اقرباء و وارثان او می‌باشند از سهم الإرث شرعی محروم و مأیوس شوند. و یا بعضی‌ها به نام وصیّت، با حیله و نیرنگ‌های نامشروع برخی از اقرباء و خویشان خود را از ارث محروم و یا متضرّر می‌کنند. بی‌خبر از این‌که این وصیت نیست بلکه ظلم و ستم و اثم و عدم

۱ـ ﴿وَمَن قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَـًٔا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُّؤْمِنَةٍ وَدِيَةٌ مُّسَلَّمَةٌ إِلَىٰٓ أَهْلِهِۦٓ﴾ النساء: ۹۲ أي مؤداة إلىٰ ورثة القتيل يقتسمونها بينهم علىٰ حسب الميراث فقد أخرج أصحاب السنن الأربعة عن الضحاك بن السفيان الكلابي قال: كتب إليّ رسول الله ﷺ يأمرني أن أورث امرأة اشيم الضبابي من عقل زوجها ويقضي منها الدين وتنفذ الوصية ولا فرق بينها وبين سائر التركة. (روح المعاني تأليف: علامة الآلوسي البغدادي/ ص ۱۱۳ ج ٥)

﴿وَمَن قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَـًٔا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُّؤْمِنَةٍ وَدِيَةٌ مُّسَلَّمَةٌ إِلَىٰٓ أَهْلِهِۦٓ﴾ النساء: ۹۲ أي مؤداة إلىٰ ورثته عوضا عمّا فاتهم من قريبهم يقتسمونها كما يقتسمون الميراث لا فرق بينها وبين سائر التركات فيقضي منها الدين وتنفذ الوصية إلىٰ آخره وإنما تجب علىٰ عاقلة القاتل لا في ماله أي يتصدقوا عليه بالدية أي يعفوا عنه فلا تجب. (الجزء العاشر من إرشاد الساري شرح صحيح البخاري للعلّامة القسطلاني/ص ٥٣ ج ۱۰)

حدثنا عبد الله بن صالح، حدثني الليث، حدثني يونس علىٰ ابن شهاب قال: العقل ميراث بين ورثة القتيل علىٰ كتاب الله وفرائضه. (سنن الدارمي/٤٧٢)

وإنما قيل للدية عقل لأنهم كانوا يأتون بالإبل فيعقلونها بفناء وليّ المقتول ثمّ كثر ذٰلك حتّىٰ قيل لكل دية عقل وإن كانت دنانير أو دراهم. (لسان العرب/ج ۱۱ ص ٤٦۰)

رضایت به احکام خدا است؛ و رسول خداﷺ در این‌باره می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ أَعْطَىٰ كُلَّ ذِي حَقٍّ حَقَّهُ فَلَا وَصِيَّةَ لِوَارِثٍ». (همانا خداوند عطا کرده است به هر صاحب حقّی حقّش را پس جائز و روا نباشد وصیّت به سود وارثی و زیان وارثی دیگر). این عمل نامشروع برای این شخص وصیّت‌کننده نشانه‌ی سوء خاتمه است، و برای وارثانی که به خیال خود این عمل را به نفع آنها انجام داده است ننگ و بدنامی و دشمنی و تعدّی به حقوق خویشان و اقربایشان خواهد بود. زیرا ارث یکی از اسباب تحکیم بنیاد رابطه‌ی خانوادگی است و هرگونه اخلال و دست‌اندازی در آن که به خلاف دین باشد موجب عداوت و از هم پاشیدگی در بین خانواده می‌باشد، و اخلال‌گر، مستحقّ نفرین و لعن خالق و مخلوق خواهد بود.

ملاحظه ـ شرعاً مکروه و خلاف سنّت است که خانواده‌ی میّت در روزهای سوگواری و مأتم، مردم را به ضیافت و مهمانی دعوت کنند، بلکه اگر خرج و هزینه‌ی مهمانداری و مجلس سوگواری از ترکه‌ای که حقّ ایتام به آن تعلّق دارد تأمین و پرداخت شود، این مهمانی از صورت مکروه خارج، و حرام خواهد شد.

جزوه‌ی تقدیمی مترتّب بر یك مقدّمه و یك مقصد و یك خاتمه است.

مقدّمه

علم فرائض و موضوع آن

تعریف علم فرایض ـ فرایض علمی است که به وسیله‌ی آن چگونگی قسمت مواریث بر مستحقّینش شناخته می‌شود. و به کسی که در این علم ماهر و دانا باشد **فرضی** گویند.

موضوع علم فرایض ـ طرز تقسیم ترکه شخص متوفّیٰ است.

مسائل علم فرایض ـ مطالب و قواعدی هستند که چگونگی استحقاق وارث را برای ارث‌گیری بیان می‌کنند. مثلاً این علم مقرّر می‌دارد که ورثه اقسامی دارد: یا ذیفرض است و به فرض ارث می‌گیرد. مانند: زوج، زوجه ... و یا عِصبه است و به عصوبت ارث اخذ می‌کند. مانند: پسر ...

نسبت فرایض به علوم ـ فرایض از علوم شرعیه به حساب می‌آید.

فضیلت علم فرایض ـ فرایض در فقه اسلامی دارای قدر و منزلت جزیل است. درباره‌ی فضیلت او کافی است که از مبعوث بالرحمةﷺ روایت شده: «فرایض نصف علم است». زیرا متعلّق به حالت مرگ است که مقابل حالت حیات است. پیامبر اسلام، مسلمانان را

بسیار به تعلّم و تعلیم آن تشویق و ترغیب فرموده‌اند که مبادا ترکش کنند و فراموشش نمایند.

غایت علم فرایض- ایصال حقوق ارثی به صاحبانش می‌باشد.

فائده‌ی علم فرایض- عبارت است از قدرت و توانایی بر تشخیص و تعیین سهم الإرث استحقاقی هر یك از وارثان است از ترکه‌ی شخص متوفّیٰ.

تعریف میراث - اموال و حقوقی که از میّت به جا مانده و در خور تجزیه و تقسیم بر وارثان او باشد، میراث گویند.

ارکان ارث و شرایط و اسباب ارث‌گیری

ارکان ارث - سه فقره است:

۱- مُوَرِّث یعنی ارث به‌جا گذارنده که شخص متوفّیٰ است.

۲- وارث یعنی ارث‌گیرنده.

۳- حقّ مورّث یعنی اموال و حقوق به جا مانده از شخص متوفّیٰ.

شرایط ارثگیری - سه فقره است:

۱- محقّق بودن مرگ مُوَرِّث.

۲- زنده بودن وارث در حال فوت مُوَرِّث.

۳- علم به جهتی که سبب و مقتضی ارث‌گیری است. یعنی شناخت جهت و درجه‌ی خویشاوندی بین وارث و شخص متوفّیٰ.

اسباب ارثگیری - سه چیز است:

۱- نکاح، یعنی زناشویی به طریق صحیح شرعی.

۲- نسبت، یعنی خویشاوندی که سبب ارث‌گیری می‌شود.

۳- وَلاء، یعنی عصوبة عتق که سیّد به سبب نعمت آزادی که به بنده‌اش عطا کرده است از بنده‌ی آزاد شده‌ی متوفّایش اگر بنده وارث نداشته باشد ارث می‌برد.

ملاحظه - هر گاه مسلمانی فوت کرد و از هر جهت فاقد وارث باشد ترکه‌اش به بیت المال اسلامی برمی‌گردد، و اگر بیت المال منظّم نباشد به دایره‌ی اوقاف اسلامی تسلیم می‌شود تا در مصالح مسلمین صرف گردد.

فرع - ولد زنا و والدش با هم توارث ندارند، ولی ولد زنا با مادرش از هم ارث

می‌برند. فرزند متلاعنین با آن کسی که او را نفی کرده است توارث ندارد قِیاسَاً عَلَی اَبْنِ الزِّنا. زن و شوهر در طلاق رجعی اگر چنانکه یکی از ایشان قبل از انقضای عِدّه فوت کنند از هم ارث می‌برند، زیرا مطلّقه‌ی رجعی در حکم زوجه است.

فرع: طلاق موقّت به چند روز قبل از مرگ، و طلاق مریضی که احتمال فوتش قوی است بنا به فتوای دو امام همام عمر و عثمان‬ؓ و اکثریت فقهای اصحاب و مجتهدین واقع نمی‌شود و رابطه‌ی زوجیت را زائل نمی‌کند. زیرا طلاق در این گونه اوضاع و احوال مظنّه‌ی فرار زوج است از ارث‌گیری زوجه‌اش. علیرغم توهّم این فکر ائمّه و فقهای اسلامیؒ چنین طلاقی را لغو و بی اثر می‌دانند و زوجه به سبب این طلاق مشؤوم از ارث‌گیری زوج متوفّایش محروم نخواهد شد ـ مناهج الشریعة الإسلامیة.

موانع ارث

موانع ارث ـ سه چیز است:

۱ـ رقیت: بندگی، بنده از اقارب و خویشاوندان متوفّایش ارث نمی‌برد.

۲ـ قتل: قاتل از مقتولش به طور کلّی ارث نمی‌برد.

ملاحظه ـ مالکی‌ها معتقدند: که قاتل در قتل خطا از ترکه‌ی مقتولش ارث می‌برد، ولی از دیه‌ی مقتولش محروم است و سهمی ندارد.

۳ـ اختلاف دین: مسلمان از کافر ارث نمی‌گیرد و کافر از مسلمان ارث نمی‌برد.

فرع ـ از معاذ و ابن المسیّب و نخعی روایت شده است که مسلمان از خویشان کتابیش ارث می‌گیرد همان طور که جائز است با خویشان کتابیش ازدواج کند بدون عکس.

عَنْ مُعاذٍ وَاَبْنُ الْمُسَیِّبِ وَالنَّخَعِیِّ: «إِنَّ الْمُسْلِمَ یَرِثُ قَرِیبَهُ الْکِتابِیَّ کَما یَحِلُّ لَهُ أَنْ یَتَزَوَّجَ الْکِتابِیَّةَ وَلَا عَکْسَ».(۱)

شیخ الإسلام و مفتی انام، ابن تیمیه نیز معتقِد است که جائز است مسلمان از خویشان کافر ذمّی‌اش ارث ببرد و در این باره رساله‌هایی نوشته است.

وارث از مردان و وارث از زنان

وارث از مردان ـ وارث از مردان به نسبت قرب و بعد جهت خویشاوندی از میّت پانزده

۱ـ المغني.

تن می‌باشند:

۱ـ پسر. ۲ـ پسرِ پسر. ۳ـ پدر. ٤ـ پدرِ پدر. ٥ـ برادر اَبَوَیْنی. ٦ـ برادر اَبی. ۷ـ برادر اُمّی. ۸ـ پسر برادر اَبَوَیْنی. ۹ـ پسر برادر اَبی. ۱۰ـ عموی اَبَوَیْنی. ۱۱ـ پسر عموی اَبَوَیْنی. ۱۲ـ عموی اَبی. ۱۳ـ پسر عموی اَبی. ۱٤ـ شوهر. ۱٥ـ مُعتِق(آزادکننده‌ی بنده).

یادآوری ـ اگر تمام خویشان ذکور فوق با هم جمع شوند در بین آنان سه کس وارث خواهند بود:

۱ـ پدر. ۲ـ پسر. ۳ـ شوهر. باقی مردان به این سه نفر محجوب خواهند شد.

وارث از زنان ـ وارث از زنان به نسبت قرب و بعد جهت خویشاوندی از میّت ده نفر می‌باشند:

۱ـ دختر. ۲ـ دختر پسر. ۳ـ مادر. ٤ـ مادرِ مادر. ٥ـ مادرِ پدر. ٦ـ خواهرِ اَبَوَیْنی. ۷ـ خواهرِ اَبی. ۸ـ خواهر مادری. ۹ـ زوجه. ۱۰ـ مُعتِقه(زن آزادکننده).

یادآوری ـ اگر تمام خویشاوندان زن جمع شوند در بین آنان پنج تن از زنان وارث از ارث بهره خواهند برد:

۱ـ دختر. ۲ـ دخترِ پسر. ۳ـ زوجه. ٤ـ مادر. ٥ـ خواهر اَبَوَیْنی. باقی زنان دیگر به این پنج زن محروم خواهند شد.

تذکر ـ اگر تمام وارثان ذکور و اناث با هم مختلط و جمع شوند، در میان آنان پنج زن و مرد وارث از ارث بهره خواهند برد: ۱ـ پدر. ۲ـ مادر. ۳ـ پسر. ٤ـ دختر. ٥ـ یکی از زوجین. باقی زنان و مردان محجوبند.

فروض مقدّره در قرآن کریم

فروض مقدّره در قرآن کریم ـ فروض مقدّره در قرآن کسور ششگانه‌ی زیر است که قرآن مجید آنها را معیّن کرده است:

نصف $\frac{۱}{۲}$. مأخذ کسر نصف ۲ است زیرا نصف یك از دو است و از این لحاظ برای کسرِ نصف مأخذ دو را در نظر گرفته‌اند چون دو کوچك‌ترین عدد است که دارای نصف صحیح است که واحد می‌باشد.

ثُلث $\frac{۱}{۳}$. مأخذ کسر ثُلث ۳ است، زیرا ثُلث یك از سه است.

ثُلثان $\frac{۲}{۳}$. مأخذ کسر ثُلثان ۳ است، زیرا ثُلثان دو از سه است.

رُبع $\frac{۱}{٤}$. مأخذ کسر رُبع ٤ است، زیرا رُبع یك از چهار است.

سُدس $\frac{۱}{٦}$. مأخذ کسر سُدس ٦ است، زیرا سُدس یك از شش است.

ثُمن $\frac{۱}{۸}$. مأخذ کسر ثُمن ۸ است، زیرا ثُمن یك از هشت است. تمام کسور از اسم عددشان مشتقّ‌اند به جز نصف که از مناصفه مأخوذ است.

توزیع فروض ششگانه بر صاحبانشان

صاحبان نصف = $\frac{۱}{۲}$

نصف سهم الإرث پنج نفر از ورثه است؛ به قرار زیر:

۱ـ زوج به شرط اینکه زوجه متوفّیٰ فرزند و یا فرزندِ فرزند نداشته باشد.

۲ـ یگانه دختر در صورتی‌که منفرد از برادر و خواهر باشد.

۳ـ یگانه دختر پسر منفرد از برادران و خواهران و ولد صلبی میّت.

٤ـ یگانه خواهر اَبَوَیْنی که فاقد پدر و فرع وارث میّت باشد.

۵ـ یگانه خواهر اَبی در صورتی‌که فرع وارث میّت و پدر و خواهر و برادر اَبَوَیْنی با او نباشد.

صاحبان رُبع = $\frac{۱}{٤}$

رُبع سهم الإرث دو نفر از ورثه می‌باشد؛ به قرار زیر:

۱ـ زوج در صورتی‌که زوجه متوفّیٰ دارای اولاد و یا اولادِ اولاد باشد.

۲ـ زوجه‌ی واحد و یا متعدّد به شرط اینکه زوج متوفّیٰ اولاد و یا اولادِ اولاد نداشته باشد نه از این زن و نه از زن دیگر.

صاحبان ثمن = $\frac{۱}{۸}$

ثُمن تنها سهم الإرث زوجه‌ی واحد و یا متعدّد است به شرط اینکه شوهر متوفّیٰ دارای فرع و ارث باشد.

صاحبان ثلثینِ = $\frac{۲}{۳}$

ثُلثین سهم الإرث چهار نفر از ورثه می‌باشد؛ به قرار زیر:

۱ـ دو دختر و یا زیادتر در صورتی‌که برادر با آنان همراه نباشد.

۲ـ دو دخترِ پسر و یا زیادتر که اولاد صلبی و یا پسرِ پسر با ایشان نباشد.

۳ـ دو خواهر اَبَوَیْنی و یا زیادتر به شرط اینکه پدر و اولاد برادر متوفّیٰ و یا برادر اَبَوَیْنی همراهشان نباشد.

٤ـ دو خواهر اَبی در صورتی‌که پدر و فرع وارث میّت و برادر اَبَوَیْنی و یا اَبی آنان همراهشان نباشد.

صاحبان ثلث = $\frac{1}{3}$

ثُلث سهم الإرث سه نفر از ورثه می‌باشد؛ به قرار زیر:

۱ـ مادر به شرط اینکه میّت فاقد اولاد و عددی از برادران و خواهران باشد.

۲ـ چند نفر از برادران و خواهران مادری به شرط اینکه میّت فرع وارث و پدر و جدّه نداشته باشد. برادران و خواهران مادری این ثُلث را بالسویّه با هم تقسیم می‌کنند بدون مزیّت مذکّر بر مؤنّث.

۳ـ جدّ هرگاه با اخوت جمع شود و ثُلث برایش اوفر و احظّ باشد.

صاحبان سُدس = $\frac{1}{6}$

سُدس سهم الإرث هفت نفر از ورثه می‌باشد؛ به قرار زیر:

۱ـ مادر به شرط اینکه میّت اولاد و یا عددی از برادران و خواهران داشته باشد.

۲ـ پدر در صورتی‌که میّت دارای اولاد باشد.

۳ـ جدّ درصورتی‌که میّت فاقد پدر و دارای اولاد باشد.

٤ـ دختر پسر منفرد و یا متعدّد که با یگانه دختر صلبی باشد به شرط اینکه دختر پسر برادرش و یا پسر عمویش با او نباشند.

٥ـ خواهر اَبی که با خواهر اَبَوَیْنی جمع شود و میّت فاقد فرع وارث و برادران اَبَوَیْنی و اَبی باشد.

٦ـ یگانه خواهر مادری و یا برادر مادری به شرط اینکه میّت فرع وارث، و پدر و جدّ نداشته باشد.

۷ـ جدّه: مادر پدر و یا مادر مادر اگر هر دو با هم جمع شوند به شرط اینکه مادر

میّت در بین نباشد سُدس را بالمناصفه با هم تقسیم خواهند کرد و اگر یکی از ایشان باشد سُدس را تماماً به ارث خواهد برد.

شناخت و شناسایی ذوی الفروض و عصبه

ارث بر دو نوع است: ١ـ ارث به فرض. ٢ـ ارث به عصوبت. وارثانی که از ترکه میّت دارای سهم الإرث معلوم و معیّن می‌باشند در اصطلاح فرایض ذوی الفروض نامیده می‌شوند. و وارثانی که سهم الإرث معیّنی ندارند و بلکه مازاد بر سهم ذوی الفروض اگر باقی باشد به آنان می‌رسد عصبه گویند. عصبه اگر منفرد باشد تمام ترکه را از راه تعصیب به ارث خواهد برد، و اگر متعدّد باشند ترکه را بالسویّه با هم تقسیم خواهند کرد. عصبه عبارت از افراد دوازده گانه‌ی زیر است که هر یك بر حسب ترتیب آتی از راه تعصیب مستحقّ ارث‌گیری می‌باشند و ضمناً هر یك از آنها گروه بعد از خود را از ارث محجوب به حَجْب حرمان و یا نقصان خواهند کرد:

١ـ اولاد ذکور و یا اولاد ذکور و اناث که ﴿لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ ٱلْأُنثَيَيْنِ﴾ النساء: ١١ با هم وارثند.

٢ـ اولاد پسر و یا با خواهرانشان همینطور.

٣ـ پدر.

٤ـ جدّ (پدرِ پدر میّت).

٥ـ برادر اَبَوَیْنی و یا با خواهرانشان.

٦ـ برادر اَبی و یا با خواهرانشان.

٧ـ عموی اَبَوَیْنی.

٨ـ عموی اَبی.

٩ـ برادرزاده‌ی اَبَوَیْنی.

١٠ـ برادرزاده‌ی اَبی.

١١ـ عموزاده‌ی اَبَوَیْنی.

١٢ـ عموزاده‌ی اَبی.

نسبت اربعه بین کسور ششگانه

اگر این کسور در مسائل میراثی بعضی‌شان با بعضی جمع شوند یا نسبت به هم متماثلند یعنی در مقدار مساوی و مانند هم می‌باشند. مانند: نصفین و یا سُدسین، و یا **متداخلند:** یعنی کسر بزرگ‌تر قابل تقسیم بر کسر کوچك می‌باشند بدون باقی‌مانده. مانند: سُدس و ثُلث. و یا **متوافقند:** دو کسر را وقتی متوافق گویند که قابل تقسیم بر دو می‌باشند که آنها را متوافق با نصف گویند. و یا **متباینند:** کسور وقتی متباینند که نه کسر بزرگ قابل تقسیم بر کسر کوچك باشد و نه با هم قابل تقسیم بر عددی دیگرند. مانند: ثُلث و رُبع

که دارای مقسومٌ علیه مشترك نمی‌باشند.

مولانا قزلجی رحمه الله نسبت کسور ششگانه را با هم در این جدول تنظیم فرموده‌اند که مشاهده می‌شود:

مولانا ملا علی قزلجی رحمه الله

	نصف	ثُلث	ثُلثین	رُبع	سُدس	ثُمن
نصف	تماثل	تباین	تباین	تداخل	تداخل	تداخل
ثُلث		تماثل	تماثل	تباین	تداخل	تباین
ثُلثین			تماثل	تباین	تداخل	تباین
رُبع				تداخل	توافق	تداخل
سُدس					تماثل	توافق
ثُمن						تماثل

«جدول مأخوذ است از فرائض شیخ معروف نودهی»

اصول مسائل فرایض و شناخت آنها

اصل هر مسأله، اقلّ عددی است که سهام صاحبان فروض از آن تصحه می‌شود:

الف ـ هر مسأله‌ای که در آن سُدس و ماباقی، و یا سُدس و نصف، و یا سُدس و ثُلث، و یا سُدس و ثُلثان، و یا نصف و ثُلث باشد از شش است. مانند: مادر و پسر، و مادر و دختر، و مادر و دو اولاد مادری، و مادر و دو دختر، و زوج و مادر.

ب ـ هر که در آن رُبع و سُدس، و یا رُبع و ثُلث، و یا رُبع و ثُلثان باشد از دوازده است. مانند: زوج و مادر و پسر، و یا زوجه و مادر، و زوجه و دو دختر.

ج ـ هر مسأله‌ای که در آن ثُمن و سُدس و یا ثُمن و ثُلثان باشد از بیست و چهار است. مانند: زوجه و مادر و پسر، و یا زوجه و دو دختر.

قاعده‌ی تأصیل و تصحیح مسائل

ورثه از لحاظ تأصیل و تصحیح مسائل ارثی به چهار دسته گروه بندی می‌شوند:

۱ـ عصبه‌ی ذکور: اگر ورثه تنها عصبه‌ی ذکور باشند تعداد رؤوس آنها اصل مسأله است. مانند اینکه وارث سه پسر باشند. مسأله‌ی ارثشان از سه درست می‌شود که عدد رؤوس آنان است که به هر یك از پسران یك سهم می‌رسد، بطوری‌که در جدول مشاهده می‌شود:

مسأله‌ی ۳	پسر ۱	پسر ۱	پسر ۱

۲ـ عصبه‌ی ذکور و اناث: اگر ورثه عصبه‌ی ذکور و اناث با هم باشند باز تعداد رؤوس آنها اصل مسأله قرار داده می‌شود به تفاوت اینکه ﴿لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيَيْنِ﴾ النساء: ۱۱، ترکه بر آنها تقسیم خواهد شد. مانند اینکه ورثه یك پسر و دو دختر باشند که مسأله‌ی ارثشان از چهار درست می‌شود که عدد رؤوس آنها است. به طوری‌که در جدول به نظر می‌رسد:

مسأله‌ی ٤	پسر ۲	دختر ۱	دختر ۱

۳ـ عصبه با ذیفرض: اگر ورثه‌ی عصبه‌ی و ذیفرض با هم باشند مخرج فرض اصل مسأله قرار داده می‌شود. مانند: زوج و یك پسر و یك دختر که مخرج فرض زوج که چهار است اصل مسأله قرار داده می‌شود. یك چهارم آن که یك است سهم الإرث زوج. باقیمانده که سه است سهم الإرث پسر و دختر که ﴿لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيَيْنِ﴾ النساء: ۱۱ به آنان می‌رسد. چنانکه در جدول مشاهده می‌شود:

مسأله‌ی ٤	زوج ۱	پسر ۲	دختر ۱

٤ـ ذیفرض تنها: اگر ورثه فقط ذیفرض باشند مسأله‌ی ارثشان به چهار حالت زیر تأصیل و تصحیح می‌شود:

۱) **تماثل فروض:** در تماثل فروض ورثه مانند نصفین که وارث زوج و یك خواهر اَبَوَيْني باشند سهم الإرث زوج نصف $\frac{1}{2}$، و سهم الإرث خواهر اَبَوَيْني هم نصف $\frac{1}{2}$، به مخرج یکی از متماثلین که دو است اکتفاء می‌شود و آن را اصل مسأله قرار می‌دهند و تقسیم را بر آن جاری می‌کنند. به طوری‌که در جدول مشاهده می‌شود.

مسأله‌ی ۲	زوج ۱	خواهر ۱

۲) **تباین فروض:** در تباین فروض ورثه، مخرج فروض متباین را در هم ضرب و حاصل ضرب اصل مسأله قرار داده می‌شود. مانند اینکه ورثه زوج و مادر و یك برادر اَبَوَيْني باشند. سهم الإرث زوج نصف که مخرجش دو است. سهم الإرث مادر ثُلث است که مخرجش سه می‌باشد. نصف و ثُلث با هم متباینند در هم ضرب می‌شوند. حاصل ضرب می‌شود شش که اصل مسأله قرار داده می‌شود و تقسیم را بر آن جاری می‌کنند. سهم الإرث زوج که نصف است می‌شود سه. سهم الإرث مادر که ثُلث است می‌شود دو. و ماباقی به برادر اَبَوَيْني می‌رسد. به طوری‌که در جدول به نظر می‌رسد:

مسأله‌ی ٦	زوج ۳	مادر ۲	برادر اَبَوَيْني ۱

۳) **تداخل فروض:** در تداخل فروض ورثه مانند سُدس و ثُلث بفرض بزرگ‌تر اکتفاء می‌شود. زیرا فرض کوچك داخل در فرض بزرگتر است. مثل اینکه ورثه مادر و دو برادر مادری و عمو باشند. فرض بزرگتر که سُدس است و مخرج فرض مادر است اصل مسأله قرار داده می‌شود و تقسیم را بر آن جاری می‌کنند. سهم الإرث ما در یك ششم که می‌شود یك. سهم الإرث برادران مادری ثُلثان یعنی دو سوم که می‌شود دو. و ماباقی برای عصبه است که عمو می‌باشد. به طوری‌که در جدول نمودار است:

مسأله‌ی ٦	مادر ۱	برادران مادری ۲	عمو عصبه ۳

٤) **توافق فروض:** در توافق فروض ورثه نصف یکی از متوافقین در تمام آخر ضرب می‌شود و حاصل ضرب را اصل مسأله قرار می‌دهند. مانند اینکه ورثه، زوج و مادر و سه پسر و یك دختر باشند. سهم الإرث زوج رُبع $\frac{۱}{٤}$ که مخرجش چهار است و سهم الإرث مادر سُدس $\frac{۱}{٦}$ که مخرجش شش است. چهار و شش توافق بالنصف دارند. نصف یکیشان در تمام آخر ضرب می‌شود، حاصل ضرب می‌شود دوازده و آن را اصل مسأله قرار می‌دهند و تقسیم بر آن جاری می‌شود. به طوری‌که در جدول نمودار است:

مسأله‌ی ۱۲	زوج ۳	مادر ۲	سه پسر ٦	دختر ۱

اصول مسائل فرایض ـ عَوْل و ردّ

اصول مسائل فرایض که سهام و حصص کلیه‌ی صاحبان فروض را شامل و دربرمی‌گیرد هفت عددند:(۲، ۳، ٤، ٦، ۸، ۱۲، ۲٤). گاهی در میان اصول مسائل هفت‌گانه‌ی فرایض در سه اصول ٦، ۱۲و ۲٤ ازدحام فروض روی می‌دهد. یعنی سهام ورثه زیادتر از سهام اصل مسأله خواهد شد. به طوری‌که سهام مسأله بر صاحبانش کسر می‌آید. مثل اینکه ورثه: زوج و دو خواهر اَبَوَیْنی باشند که اصل مسأله‌ی ارثشان از شش درست می‌شود. سهم زوج نصف است که مساوی با سه ششم، و سهم دو خواهر دو ثُلث است که چهار ششم می‌شود.پس با این حساب سهام فریضه‌ی ورثه یك سهم بر سهام اصل مسأله زیاد خواهد آمد. در این حالت باید بر تعداد سهام اصل مسأله افزوده و در ضمن از مقادیر سهام آن کاست تا نقص به هر کدام از ورثه به نسبت سهمی که دارند وارد شود و سپس اصل مسأله به سهام افزوده شده عول شود تا سهام مسأله به سهام ورثه برسد و با هم وافی و مساوی شوند. و این عمل را در فرایض **عَوْل** گویند.

تذکر: در عول اصل مسأله ترك می‌شود و مجموع فروض ذوی الفروض را اصل مسأله قرار می‌دهند.

تعریف عَوْل

عَوْل در لغت عربی به معنی میل است و در فقه فرایض عبارت از کم کردن مقادیر سهام و افزودن بر تعداد سهام است. اصل (٦) عول می‌شود به (٧، ٨، ٩، ١٠). اصل (١٢) عول می‌شود به (١٣، ١٥و ١٧). و اصل (٢٤) عول می‌شود به (٢٧). به عنوان نمونه برای هر یك از اصول عول شده‌ی سه گانه مثالی ذکر خواهد شد. مثلاً: عول اصل (٦) به (٧) مثل اینکه ورثه، شوهر و دو خواهر اَبَوَیْنی باشند. **مسأله‌ی ارثشان از (٦) است.** سهم الإرث زوج نصف $\frac{1}{2}$ است که می‌شود سه. سهم الإرث دو خواهر اَبَوَیْنی ثُلثان $\frac{2}{3}$ است که می‌شود چهار. مسأله از شش به هفت عول شد. عول اصل (١٢) به (١٣) مثل اینکه ورثه زوجه و مادر و دو خواهر اَبی باشند. **مسأله‌ی ایشان از (١٢) است.** چون سُدس و رُبع در آن است. فرض زوجه رُبع $\frac{1}{4}$ که می‌شود سه. سهم الإرث مادر سُدس $\frac{1}{6}$ که می‌شود دو. سهم الإرث دو خواهر اَبی ثُلثان $\frac{2}{3}$ است که می‌شود هشت. پس مسأله از دوازده به سیزده عول شد. عول اصل (٢٤) به (٢٧) مانند اینکه ورثه زوجه، جدّ مادر، و دو دختر باشند. **مسأله‌ی ایشان از (٢٤)است.** چون ثُمن و سُدس در آن سر در آورده‌اند. ثُمن سهم الإرث زوجه که می‌شود سه. سُدس $\frac{1}{6}$. سهم الإرث جدّ که می‌شود چهار. سُدس $\frac{1}{6}$ دیگرش سهم الإرث مادر که می‌شود چهار. ثُلثانش $\frac{2}{3}$ سهم الإرث دختران است که می‌شود شانزده. پس مسأله از ٢٤ به ٢٧ عول شد.

ردّ و تعریف آن

ردّ در لغت عربی به معنی صرف و انصراف و برگرداندن است و در فقه در باب ارث عبارت از برگرداندن مقدار زیادی از سهام فروض ذوی الفروض بر ذوالفروض می‌باشد. هرگاه در موقع تقسیم ترکه فرضی از فروض ترکه بلاصاحب و بدون تکلیف ماند و از عصبه‌ی نسبی کسی موجود نبود، فرض بلاصاحب برگردانده می‌شود بر غیر زوجین از صاحبان فروض به نسبت فرض‌شان. و در صورتی‌که ذوی الفروض و عصبات موجود نباشند فرض بلاصاحب داخل بیت المال می‌شود. و اگر بیت المال منظم نباشد به ذوی الأرحام می‌رسد. در سلسله‌ی ذو الأرحام اولاد دختر صلبی مقدّم بر اولاد دختر پسر می‌باشند.

تبصره ـ فقها و حقوق‌دانان مصری معاصر دامَتْ تَوْفِیقاتُهُمْ معتقدند اگر چنانکه یکی از زوجین فوت کرد و فاقد خویشان ذیفرض، و عصبه نسب و ذوی الأرحام باشد، فرض بلاصاحب در این صورت به خصوص بر یکی از زوجین که در حال حیات است ردّ می‌شود. زیرا صله و مشاق زوجین با هم در حیاط و زندگی اقتضا می‌کنند که برای هر یکی از ایشان در مال و دارایی آخر حقی باشد سوای حقّ مفروض. و در این حال برای اخذ و تصاحب این حقّ بلا تکلیف و بدون صاحب یکی از زوجین که در حال حیات است از دیگران شایسته تر است. مثلاً هرگاه مردی فوت کرد، به جز زوجه‌اش از خویشان مذکور کسی نداشت، و یا زنی فوت کرد همین‌طور به جز شوهرش کسی دیگر نداشت، در صورت اول زوجه رُبع $\frac{۱}{٤}$ ترکه را به فرض اخذ می‌کند و ماباقی را به ردّ برمی‌دارد. و در صورت دوم زوج نصف $\frac{۱}{۲}$ ترکه را به فرض برمی‌دارد و نصف دیگر را به ردّ اخذ می‌کند. فتوی و نظر فقهاء و حقوقدانان معاصر اسلامی مبتنی و مأخوذ از رأی امام عثمان رضی الله عنه است. «وَمِنْهُمْ مَنْ قالَ بِالرَّدِّ عَلَىٰ أَصْحابِ الْفُرُوضِ حتّی الزَّوْجَیْنِ بِنِسْبَةِ فُرُوضِهِمْ» هٰذٰا مَذْهَبُ عُثْمانَ رضی الله عنه. (فقه السنة).

مقصد:

حالات ارث‌گیری

این مقصد مشتمل بر چهل و یك فقره حالات ارث‌گیری ورثه است، به قرار زیر:

الف) دختر به سه حالت زیر ارث می‌برد:

حالت اول ـ نصف $\frac{۱}{۲}$. سهم الإرث یگانه دختر منفرد از خواهر و برادر است.

حالت دوم ـ ثُلثان $\frac{۲}{۳}$. سهم الإرث دو دختر و یا زیادتر که فاقد برادر باشند.

حالت سوم ـ تعصیب. دختر و پسر که با هم جمع شوند دختر عصبه می‌شود. سهم الإرث هر پسر، دو برابر هر دختر خواهد بود.

ب) دخترِ پسر به شش حالت زیر ارث می‌برد:

حالت اول ـ نصف $\frac{۱}{۲}$. سهم الإرث یگانه دختر پسر است اگر دختر صلبی با او نباشد.

حالت دوم ـ ثُلثان $\frac{۲}{۳}$. سهم الإرث دو دختر پسر و یا زیادتر است. اگر باز دختر صلبی با ایشان نباشد.

حالت سوم ـ تعصیب. دختر پسر عصبه می‌شود به وسیله‌ی پسر پسر، ﴿لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيَيْنِ﴾ النساء: ۱۱، با هم ارث می‌برند.

حالت چهارم - سُدس $\frac{۱}{۶}$ سهم الإرث دختر پسر است که با یگانه دختر صلبی باشد، تَكْمِلَةً لِلثُّلُثَيْنِ مادامیکه در مقابل دختر پسر، پسر پسر نباشد تا او را عصبه کند. ولی اگر دختر پسر به وسیله‌ی پسر پسر عصبه گردید مازاد بر فرض دختر صلبی را اولاد پسر ﴿لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ ٱلْأُنثَيَيْنِ﴾ النساء: ۱۱، به ارث می‌برند.

حالت پنجم - سقوط. دختر پسر با دو دختر صلبی ساقط می‌شود. مگر اینکه دختر پسر در این حالت به وسیله‌ی پسر پسر عصبه شود. و در این‌صورت مازاد بر فرض دختران صلبی را دختر پسر و پسر پسر ﴿لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ ٱلْأُنثَيَيْنِ﴾ النساء: ۱۱، با هم به ارث می‌برند.

جدول حالات سقوط و ارث‌گیری اولادِ اولاد با اولاد صلبی

اولاد	اولادِ اولاد		
ذکور محض	ساقط ذکور محض	ساقط ذکور اناث	ساقط اناث محض
ذکور اناث	ساقط ذکور محض	ساقط ذکور اناث	ساقط انثیٰ
انثیٰ واحده	عصبه‌ی ذکور محض	عصبه‌ی ذکور اناث	سدس انثیٰ
فوق انثیٰ واحده	عصبه‌ی ذکور محض	عصبه‌ی ذکور اناث	ساقط انثیٰ

حالت ششم - سقوط. دختر پسر به وسیله پسر صلبی ساقط می‌شود.

ج) خواهر اَبَوَیْنی به پنج حالت زیر ارث می‌برد:

حالت اول - نصف $\frac{۱}{۲}$. فرض یگانه خواهر اَبَوَیْنی منفرد است.

حالت دوم - ثُلثان $\frac{۲}{۳}$. فرض خواهران اَبَوَیْنی است دو و یا بیشتر باشند.

حالت سوم - عصبه. خواهر اَبَوَیْنی با برادر اَبَوَیْنی عصبه می‌شود. ﴿لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ ٱلْأُنثَيَيْنِ﴾ النساء: ۱۱، ارث می‌برند.

حالت چهارم - عصبه. خواهر اَبَوَیْنی که با دختر صلبی و یا دختر پسر همراه باشد، خواهر عصبه می‌شود. مازاد بر فرض آنان را که نصف است با یك دختر، و ثُلث است با دختران متعدّد، به ارث می‌برد.

حالت پنجم - سقوط. خواهر اَبَوَیْنی به وسیله‌ی پدر و پسر و پسر پسر میّت ساقط می‌شود.

د) خواهر اَبی به هفت حالت زیر ارث می‌برد:

حالت اول - نصف $\frac{۱}{۲}$. فرض یگانه خواهر اَبی است که فاقد خواهر اَبَوَیْنی باشد.

حالت دوم - ثُلثان $\frac{۲}{۳}$. فرض دو خواهر اَبی و یا زیادتر که فاقد خواهر اَبَوَیْنی باشند.

حالت سوم ـ عصبه. خواهر اَبی که با برادران اَبی جمع شود، خواهر عصبه می‌شود. ﴿لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ ٱلْأُنثَيَيْنِ﴾ النساء: ۱۱، ارث می‌برد.

حالت چهارم ـ عصبه. خواهر اَبی با دختر صلبی و یا دختر پسر، عصبه می‌شود. مازاد بر فرض آنان را به ارث می‌برد که نصف است با یك دختر و ثُلث است با دختران متعدّد.

حالت پنجم ـ سقوط. خواهرَ اَبی به پسر و پسر پسر و پدر و برادر اَبَوَیْنی که به وسیله‌ی دختر صلبی عصبه شود ساقط خواهد شد.

حالت ششم ـ سُدس $\frac{1}{6}$. هرگاه خواهر اَبی و خواهر اَبَوَیْنی با هم جمع شوند فرض خواهر اَبی سُدس است تَكْمِلَةً لِلثُّلُثَيْنِ. ولی اگر در این حالت با خواهر اَبی برادر اَبی هم باشد خواهر اَبی عصبه می‌شود مازاد بر فرض خواهر اَبَوَیْنی را با برادر اَبی خود، ﴿لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ ٱلْأُنثَيَيْنِ﴾ النساء: ۱۱ به ارث می‌برند، خواهر و برادر اَبی گاهی باستغراق فروض ترکه ساقط خواهند شد. ولی خواهر[۱] اَبی اگر فاقد عصبه صلبی باشد بسبب استغراق فروض ترکه ساقط نمی‌شود.

حالت هفتم ـ سقوط. خواهر اَبی با دو خواهر اَبَوَیْنی ساقط می‌شود مگر اینکه برادر اَبی با او باشد که او را عصبه کند. در این‌صورت مازاد بر فرض خواهران اَبَوَیْنی را برادر و خواهر اَبی با هم ﴿لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ ٱلْأُنثَيَيْنِ﴾ النساء: ۱۱ به ارث می‌برند.

هـ) برادران و خواهران مادری به سه حالت زیر ارث می‌برند:

حالت اول ـ ثُلث $\frac{1}{3}$. سهم الإرث برادران و خواهران مادری است که ذکور و اناث بالسویه این ثُلث را با هم تقسیم می‌کنند.

حالت دوم ـ سُدس $\frac{1}{6}$. سهم الإرث برادر و خواهر مادری منفرد است.

حالت سوم ـ سقوط. برادر و خواهر مادری به فرزند و فرزند پسر و پدر و پدر پدر ساقط می‌شوند.

و) مادر به سه حالت زیر ارث می‌برد:

حالت اول ـ سُدس $\frac{1}{6}$. هرگاه مادر با اولاد و یا اولاد پسر میّت و یا عددی از برادران و خواهران میّت جمع شود برادران و خواهران به هر جهتی که باشند سهم الإرث مادر سُدس است.

۱ـ و بلکه برای او $\frac{1}{6}$ به وسیله‌ی عَوْل در نظر گرفته می‌شود.

حالت دوم ـ ثُلث کل مسأله. اگر با مادر فرع وارث و عددی از برادران و خواهران میّت نباشند مادر ثُلث کل ترکه را به ارث خواهد برد.

حالت سوم ـ ثُلث باقی پس از فرض یکی از زوجین. این مسأله به دو شکل طرح می‌شود که به عُمَرِیَّتَیْنِ معروفند، زیرا این هم نمونه‌ای دیگر از برکات فقاهت و اجتهادات عمر رضی الله عنه است.

مسأله‌ی اول که پدر و مادر و زوج با هم وارث باشند. مسأله‌ی ارثشان از شش درست می‌شود. نصفش که سه است فرض زوج. یك سوم از نصف باقی پس از فرض زوج که می‌شود یك فرض مادر باقیمانده که می‌شود دو، از راه فرض و تعصیب به پدر می‌رسد. به طوری‌که در جدول مشاهده می‌شود:

مسأله‌ی ٦	زوج ۳	مادر ۱	پدر ۲

مسأله‌ی دوم که پدر و مادر و زوجه با هم وارث باشند مسأله از چهار درست می‌شود یك چهارم که می‌شود یك فرض زوجه، یك سوم از ماباقی پس از فرض زوجه سهم الإرث مادر است. باقیمانده که می‌شود دو و از طریق فرض و تعصیب به پدر می‌رسد، به طوری‌که در جدول نمودار است:

مسأله‌ی ٤	زوجه ۱	مادر ۱	پدر ۲

ز) جدّه: مادرِ مادر و یا مادرِ پدر به دو حالت زیر ارث می‌برند:

حالت اول ـ سُدس $\frac{1}{6}$. سهم الإرث جدّه است به طور کلی. هر دو با هم موجود باشند و یا یکیشان. در صورتی‌که با هم باشند این سُدس را بالمناصفه با هم تقسیم می‌کنند.

حالت دوم ـ سقوط. جدّه مطلقاً به مادر و پدر ساقط می‌شود. جدّه‌ی پدری به پدر، و جدّه‌ی مادری به مادر ساقط خواهند شد.

ح) زوجه به دو حالت زیر ارث می‌برد:

حالت اول ـ رُبع $\frac{1}{4}$. فرض زوجه‌ی منفرد و یا متعدّد است مادامیکه زوج متوفّی اولاد و یا اولاد پسر نداشته باشد، نه از این زن و نه از دیگری.

حالت دوم ـ ثُمن $\frac{1}{8}$. فرض زوجه‌ی منفرد و یا متعدّد است اگر زوج متوفّی فرزند داشته باشد از این زن و یا از زن دیگری.

ط) زوج به دو حالت زیر ارث می‌برد:

حالت اول ـ نصف $\frac{1}{2}$. فرض زوج است در صورتی‌که زوجه متوفّات اولاد و یا اولادِ اولاد نداشته باشد نه از این مرد و نه از شوهر دیگری.

حالت دوم ـ رُبع $\frac{1}{4}$. سهم الإرث زوج است اگر زوجه متوفّات اولاد و یا اولادِ اولاد داشته باشد خواه اولادش از این مرد و یا از شوهر دیگری باشند.

ی) پدر به سه حالت ارث می‌برد:

حالت اول ـ سُدس $\frac{1}{6}$. سهم الإرث پدر است در صورتی‌که میّت دارای پسر و یا پسر پسر باشد.

حالت دوم ـ سُدس $\frac{1}{6}$ با تعصیب. هرگاه پدر با دختر میّت و یا دختر پسر میّت باشد سهم الإرثش سُدس و مازاد بر فرض دختران را از راه تعصیب خواهد برد.

حالت سوم ـ تعصیب فقط. وقتی وارثان حالت اول و دوم نباشند، پدر تمام ترکه را از راه تعصیب خواهد برد.

ك) جدّ: پدرِ پدر به پنج حالت زیر ارث می‌برد:

حالت اول ـ سُدس $\frac{1}{6}$. سهم الإرث جدّ است اگر با پسر و یا پسر پسر میّت همراه باشد.

حالت دوم ـ سُدس $\frac{1}{6}$ با تعصیب. هرگاه جدّ با دختر پسر و یا دختر پسر پسر باشد یك ششم ترکه را به فرض می‌گیرد و مازاد بر فرض دختران را از راه تعصیب به ارث خواهد برد.

حالت سوم ـ تعصیب فقط. هرگاه وارثان حالت اول و دوم همراه جدّ نباشند تمام ترکه را جدّ از طریق تعصیب تصاحب خواهد کرد.

حالت چهارم ـ جدّ اگر فقط با برادران و خواهران اَبَوَیْنی و یا اَبی میّت جمع شود از ثُلث ترکه، و یا اینکه با آنان مانند یك برادر مقاسمه کند. از این دو طریق هر کدام برایش سودمندتر باشد مختار است به ارث ببرد. مخفی نماند اگر عدد برادران از دو، و خواهران از چهار تجاوز نکرده باشند مقاسمه برای جدّ نافع‌تر است از ثُلث.

فائده ـ اصحاب و فقهای اسلامی رحمهم الله پس از احتیاط و شور و تبادل نظریات و افکار درباره‌ی ارث جدّ و اخوة بالأخره این مسأله را از طریق ثُلث و یا مقاسمه فیصله داده‌اند که این دو طریق اختیار شافعی و مالك و احمد ابن حنبل است رحمهم الله.

تذکر ـ جدّ مادری ارث نمی‌برد و از ذوی الأرحام است.

ارث حمل

هرگاه در حین فوت مُوَرِّث حملی باشد به طریق زیر عمل خواهد شد:

۱ـ اگر حمل غیر وارث و یا محجوب به غیر باشد ترکه تقسیم می‌شود و چیزی برای حمل منظور نخواهد شد. مثلاً اگر شخصی فوت کند و پسر و مادر حامله از او به جا بماند در اینصورت حمل سهم الإرث ندارد. زیرا اولاد مادر بطور کلّی به اولاد صلبی محروم می‌باشند.

۲ـ هرگاه حمل وارث و وارث دیگری با او نباشد ترکه کلاً تا وضع حمل توقیف می‌شود.

۳ـ وارثانی که سهم الإرث آنان به تغییر حمل تغییر نمی‌کند نصیبشان از ترکه داده می‌شود و باقی ترکه تا وضع حمل به حالت توقیف در می‌آید. مثلاً اگر شخصی فوت کند جدّه و زوجه حامله از او به جا ماند، سهم الإرث جدّه که سُدس است به او داده می‌شود. زیرا فرضش تفاوت نمی‌کند؛ خواه ولد حمل ذکور و یا اناث باشد.

٤ـ وارثی که استحقاق ارث‌گیریش مشکوك است. یعنی در حالاتی ساقط و در بعضی حالات ارث می‌گیرد، چیزی به او داده نمی‌شود. مثلاً اگر کسی فوت کند، زوجه‌ی حامله و برادری از او به جا ماند، عجالةً برادر سهمی نمی‌گیرد. زیرا ممکن است حمل مذکّر باشد.

۵ـ وارثانی که به ذکوریت و انوثت حمل متضرّر می‌شوند و سهم الإرث آنان تغییر می‌کند می‌توانند با توافق و رضایت هم در تقسیم ارث عجله کنند و اقلّ ارث متقن خود را اخذ نمایند. مثلاً اگر مردی فوت کند، زوجه‌ی حامله و مادری از او به جا ماند، فرض زوجه و مادر میّت در صورتی‌که حمل زنده منفصل شود، به ترتیب ثُمن و سُدس است و عجالةً به آنان داده می‌شود و باقی ترکه به حالت تعلیق در می‌آید. اگر حمل زنده به دنیا آید، سهم دیگر به زوجه و مادر نمی‌رسد، و در صورت عدم حمل و یا اینکه حمل مرده به دنیا آید، فرض آنان به رُبع و ثُلث برمی‌گردد و باید برایشان تکمیل شود.

حَجْب و اقسام آن

حَجْب به فتح (حاء) و سکون (جیم) در لغت عربی به معنی منع است و در شرع منع وارث از تمام ترکه و یا از بخشی از ترکه است. اولی را حَجْب حرمان و دومی را حَجْب نقصان گویند. حَجْب در فقه اسلامی اهمیّت خاصّی دارد. حتّی بعضی از فقهاء گفته‌اند: کسی که درست بر احکام حَجْب واقف نباشد فتوایش در فرایض جایز نیست.

حَجْب حرمان متوجّه سهم الإرث پدر و مادر و فرزند و زوجین نخواهد شد و نظر به اینکه تبادر از حجب، حَجْب حرمان است قبلاً به بیان آن می‌پردازیم:

حَجْب حرمان:

۱ـ با وجود پسر، پسرِ پسر، و دخترِ پسر و برادر و خواهر و اعمام به طور کلّی از ارث محجوبند.

۲ـ اولاد و اولادِ اولاد اگر چه پائین باشند اقرب فالأقرب از آنان مانع ابعد از ارث‌گیری است.

۳ـ با وجود دختر صلبی، برادر مادری به طور کلّی محجوب است.

٤ـ با وجود دختر پسر، برادر مادری به طور کلّی محجوب است.

٥ـ با وجود دختران صلبی، دختران پسر ارث نمی‌برند مگر اینکه با دختران پسر معصبی باشد از برادر و یا عموزادگانشان که آنان را عصبه کند.

٦ـ با وجود دو دختر پسر و یا زیادتر، برادر مادری و دخترانِ پسرِ پسر محجوبند مگر اینکه با دختران پسرِ پسر معصبی باشد از برادران و یا عموزادگانشان که آنان را عصبه کند.

۷ـ با وجود برادر اَبَوَیْنی برادر اَبی و عمو به طور کلّی محجوب می‌باشند.

۸ـ با وجود پسر برادر اَبَوَیْنی، عمو و پسر برادر اَبی از ارث محجوبند.

۹ـ با وجود برادر اَبی، عمو و پسر برادر اَبَوَیْنی محجوبند.

۱۰ـ با وجود پسر برادر اَبی، عمو به طور کلّی و پسران برادران ابعد از ارث‌گیری محجوبند.

۱۱ـ با وجود عمومی اَبَوَیْنی، عموی پدری محجوب است.

۱۲ـ با وجود پسرعموی اَبَوَیْنی، پسر عموی اَبی محجوب است.

۱۳ـ با وجود عموی اَبی، پسر عموها به طور کلّی از ارث‌گیری محجوبند.

۱٤ـ دختر و خواهر اَبَوَیْنی اگر با هم باشند، برادر اَبی را محجوب می‌کنند. زیرا خواهر اَبَوَیْنی با دختر نازله و منزله برادر اَبَوَیْنی می‌باشند و برادر اَبَوَیْنی برادر اَبی را محجوب می‌کند.

۱٥ـ برادر اَبَوَیْنی که با دختر پسر همراه باشد، برادر اَبی را محجوب خواهد کرد.

۱٦ـ با وجود دو خواهر اَبَوَیْنی، خواهر اَبی از ارث‌گیری محجوب است مگر اینکه

معصبی با او باشد که او را عصبه کند.

۱۷ـ با وجود پدر، پدر پدر و مادر پدر ارث نمی‌برند.

۱۸ـ با وجود جدّ، پدر جدّ و برادران مادری و عمو و پسران برادر به طور کلّی از ارث محجوبند.

۱۹ـ با وجود مادر، جدّه به طور کلّی از ارث محروم است.

فائده ـ اعمام و پسران اعمام و پسران برادر وارثند و ارث می‌برند ولی خواهران آنان ذوی الأرحام‌اند و از ارث محجوبند.

حَجْب نقصان: حَجْب نقصان وارث را از فرض اکثر به فرض اقلّ تنزّل می‌دهد. کسانی که موجب حَجْب نقصان و وارثان دیگر را حَجْب نقصان می‌کنند شش نفرند:

۱ـ۲ـ پسر و پسرِ پسر، زوج را از نصف به رُبع و زوجه را از رُبع به ثُمن و پدر جدّ را از تعصیب به سُدس منتقل می‌کنند.

۳ـ دختر صلبی، دختر و دختران پسر را از نصف و ثُلثان به سُدس و خواهر اَبَوَیْنی و یا اَبی را از نصف به سُدس و دو خواهر اَبَوَیْنی و یا اَبی را از ثُلثین به تعصیب می‌برد و زوج را از نصف به رُبع و زوجه را از رُبع به ثُمن و مادر را از ثُلث به سُدس تنزّل می‌دهد و پدر و جدّ را از تعصیب به فرض سُدس می‌برد و اگر چنانچه مازادی پس از فرض سُدس باشد به پدر و یا جدّ تعلّق می‌گیرد.

٤ـ دختر پسر، خواهر اَبَوَیْنی و اَبی را از نصف به تعصیب، خواهران اَبَوَیْنی و یا اَبی را نیز از ثُلثان به تعصیب حَجْب می‌کند. زوج، و زوجه، و مادر، و پدر، و جدّ به همان اندازه که به وسیله‌ی دختر صلبی حَجْب نقصان می‌شوند به وسیله‌ی دختر پسر نیز به همان مقدار محجوب خواهند شد.

۵ـ برادران به طور کلّی مادر را از ثُلث به سُدس حَجْب نقصان می‌کنند.

٦ـ خواهر اَبَوَیْنی خواهر اَبی را از نصف به سُدسَ و دو خواهر اَبی را از ثُلثین به سُدس حَجْب نقصان می‌کند مگر اینکه برادر اَبی با آنان باشد که عصبه‌شان کند. «والتناسخ في الفرائض والميراث: أن تموت ورثة بعد ورثة وأصل الميراث قائم لم يقسم».

خاتمه:

احکام رضاع (شیرخوارگی)

رضاع به فتح راء و جواز کسرش در شرع عبارت از شیردادن زنی است پنج[۱] مرتبه به طفلی که سنّش دو سال و یا از دو سال کمتر است. فقهاء گویند ضابطه‌ی شناخت تعداد رضعات پنجگانه با عرف و عادت است، نه با شرع و لغت. پس اگر طفل عادةً و عرفاً به سبب اعراض دهنش را از مکیدن قطع کرد این اعراض عرفاً و عادةً به منزله‌ی تعدّد و رَضَعات است. ولی اگر به عنوان لهو و یا خواب‌آلودگی و یا در اثر تفنّن و تنوّع به طوری که شیوه‌ی اطفال است از پستانی به پستانی دیگر انتقال کرد و بعداً مکیدن را از نو شروع کرد تمام است حالات رضعه‌ی واحده محسوب خواهد شد.

جمهور ائمه فقهای شافعی برآنند که حرمت به سبب رضاع به پنج رضعات ثابت خواهد شد و این رضعات باید سیر کننده و متفرّق و دراوان و دوره‌ی شیرخوارگی طفل باشند که سنین دو سالگی است. یحیی بن سعید روایت می‌کند که شخصی به ابو موسیٰ اشعری گفت: من پستان زنم را مکیده و شیرش را نوشیده‌ام. ابو موسیٰ گفت: به نظرم زنت بر تو حرام شده است. عبدالله ابن مسعود که حاضر بود فرمود: دقّت کنید به فتوای این مرد. ابو موسیٰ فرمود: مگر فتویٰ و نظر شما در این باره چگونه است؟ عبدالله ابن مسعود گفت: لا رِضاعَ إِلّا ما كانَ فِي الْحَوْلَيْنِ. یعنی: شیر خوردن سبب تحریم نمی‌شود به جز در دوران دو ساله‌ی شیرخوارگی. ابو موسیٰ اشعری گفت: لا تَسْأَلُونِي عَنْ شَيْءٍ مادامَ هٰذَا الْحِبْرُ بَيْنَ أَظْهُرِكُمْ. یعنی: از من چیزی نپرسید مادام که این دانشمند در بین شما است؛ یعنی ابن مسعود. حدیث شریف: «يَحْرُمُ بِالرَّضاعِ ما يَحْرُمُ مِنَ النَّسَبِ»[۲]، که مدرك استنباط احکام شرعیه‌ی رضاع است به وضوح بیان می‌کند که رضاع و نسب در تحت یك حكم و شرایط‌اند که هر کس در هر درجه به نسب محرم باشد از مادران

۱ـ المالكيّة والحنفيّة: «اقلّ الرَّضاعَةِ مَصَّةٌ واحِدَةٌ».

۲ـ روي عن ربيعة. القول التاسع أن الرضاع يعتبر فيه الصغر إلا فيما دعت إليه الحاجة كرضاع الكبير الذي لا يستغني عن دخوله على المرأة ويشقّ احتجابها منه، وإليه ذهب شيخ الإسلام ابن تيمية وهذا هو الراجح عندي، وبه يحصل الجمع بين الأحاديث، ۲۳ ـ نيل الأوطار ـ ٦. این نظریه مأخوذ از فقه حدیثی است که امام احمد و مسلم از رسول خدا روایت کرده‌اند.

و خواهران و دختران و عمّات و خالات و دختران برادر و دختران خواهر، به سبب شیر هم در همان نسبت درجه محرم خواهند بود. علیهٰذا پس از این شیرخوارگی محرمیّت رضاعی در بین کودك شیرخوار و اشخاص مذکور در پائین به طریق زیر نشر و گسترش می‌یابد:

۱ـ زن شیردهنده و شوهر زن که او را در فقه اسلامی صاحب شیر می‌نامند مادر و پدر رضاعی طفل می‌شوند و کودك شیرخوار شرعاً در حکم فرزند آنان خواهد شد.

۲ـ اولاد این زن و شوهر خواه قبل از این طفل شیرخوار و یا بعد از او متولّد شده باشند و یا اولاد این زن از غیر این مرد و یا اولاد این مرد که از غیر این زن باشند، همگی برادران و خواهران رضاعی این طفل خواهند بود و در میان این کودك شیرخوار و اولاد این زن و شوهر به طور کلّی برقراری رابطه و پیوند زناشویی حرام، و روا نباشد.

۳ـ محرمیّت رضاعی به اولاد رضیع اعمّ از نسبی و رضاعی سرایت می‌کند و فرزندان رضیع به طور کلّی نوه‌ی این زن و شوهر خواهند شد.

٤ـ مادر مرضعه بر کودك حرام می‌شود، زیرا جدّه‌ی رضاعی کودك است.

٥ـ مادر شوهر مرضعه بر کودك حرام می‌شود زیرا جدّه‌ی رضاعی کودك است.

٦ـ خواهر شوهر مرضعه بر کودك حرام است زیرا عمّه‌ی رضاعی کودك است.

۷ـ خواهر مرضعه بر کودك حرام است زیرا خاله‌ی رضاعی‌کودك است.

۸ـ برادر شوهر مرضعه بر کودك حرام است زیرا عموی رضاعی کودك است.

۹ـ دخترپسر مرضعه بر کودك حرام است زیرا برادرزاده‌ی رضاعی کودك است.

۱۰ـ دختر دختر مرضعه بر کودك حرام است زیرا خواهرزاده‌ی رضاعی کودك است.

۱۱ـ خواهر رضاعی بر انسان حرام است و آن دختری است که مادر انسان به او شیر داده است.

تذکر ـ موارد زیر از حکم رضاع مستثنی است و محرمیّت رضاعی به پدر و برادران و خواهران طفل سرایت نمی‌کند، و آنان را در برنمی‌گیرد. زیرا شیری که به آن محرمیّت ثابت می‌شود از آنان دور است، پس جائز است برای برادران طفل شیرخوار ازدواج با دایه‌ی برادرشان و با مادر دایه‌ی برادرشان و دختر دایه‌ی برادرشان. و همچنین جائز است برای صاحب شیر که ازدواج کند با خواهر پسری و یا دختری که این پسر و دختر شیر حلیله‌ی این مرد را نوشیده‌اند، و باز جائز است ازدواج شخص با دایه‌ی نوه‌اش و با دایه‌ی فرزندش و با دختر دایه‌ی فرزندش.

فائده ۱ـ جمهور فقهاء برآنند که زوجه‌ی فرزند رضاعی حکم زوجه‌ی فرزند صلبی را

دارد در تحریم ازدواج.

فائده ۲ـ دختر باکره و یا زن بیوه‌ای که دارای شوهر نباشد اگر چنانکه شیر در پستانشان پیدا شود و این شیر را به طفلی بنوشانند که در اوان شیرخوارگی است محرمیّت رضاعی بین این زنان و کودك شیرخوار ثابت خواهد شد. زیرا شیر زنان تغذیه‌ای است برای رشد جسمانی اطفال.

فائده ۳ـ تغذیه از شیر مرضعه[۱] به شرایط مقرره سبب حرمت است اعم از اینکه به صورت شُرب[۲] و یا ایجار[۳] و یا اسعاط[٤] باشد به خلاف (حُقْنه) و آن این است که شیر را از راه مقعد داخل روده‌ی طفل کنند که سبب حرمت نخواهد شد زیرا در حُقْنه تغذّی منتفی است.

فائده ٤ـ از عبدالله ابن عباسﷺ سؤال شد درباره‌ی مردی که دارای دو زن باشد، یکی از زنانش دختری را شیر دهد و زن دیگرش پسری را شیر دهد، آیا این پسر و دختر در آتیه جائز است با هم ازدواج کنند؟

فرمود: خیر. زیرا صاحب شیرشان یکی است و این پسر و دختر هردوشان فرزند رضاعی یك شوهرِ دو زنه می‌باشند و خواهر و برادر اَبی از لحاظ شیر هستند.

فائده ٥ـ زوجه بدون اجازه و اطّلاع زوجش جائز نیست شیرش را به طفل دیگران بنوشاند.

فائده ٦ـ اگر شیر[٥] مرضعه با مایعی و یا طعامی قاطی و مخلوط شود و آن را پنج مرتبه به طفلی بخورانند که در دوران شیرخوارگی است این خوراك سبب حرمت و محرمیّت خواهد شد.

فائده ۷ـ جمهور فقهای شافعی معتقدند اقلّ رضاع که سبب حرمت ازدواج است رضعات پنج‌گانه است و خوردن شیر کمتر از این رضعات پنجگانه موجب تحریم نمی‌شود و همین قول است قول مفتیٰ بِهِ که از عایشه‌ی صدّیقهﷺ و ابن مسعود و عطا و طاووسﷺ روایت شده است. فقهاءﷺ گویند: اگر در عدد رضعات پنجگانه که سبب تحریمند شكّ و تردید روی داد که آیا طفل شیر را به عدد رضعات پنجگانه محرمه خورده است یا خیر بُنِيَ الْأَمْرُ عَلَى الْيَقِينِ. یعنی: بنای کار باید بر یقین قرار گیرد. زیرا تحریم با

۱ـ و قول عمرﷺ في الحديث: «اَللَّبَنُ لا يَمُوتُ» أَرادَ أَنَّ الصَّبِيَّ إذا رَضَعَ آمْرَأَةً مَيِّتَةً، حَرُمَ عَلَيْهِ مِنْ وَلَدِها وَقَرابَتِها ما يَحْرُمُ عَلَيْهِ مِنْهُمْ، لَوْ كانَتْ حَيَّةً وَقَدْ رَضِعَها.

۲ـ نوشیدن. ۳ـ در گلو ریختن. ٤ـ در بینی ریختن.

٥ـ ولی در این حال «ورع» در ترك مزاوجت است.

شکّ ثابت نخواهد شد. در این حالت اصل عدم تحریم[1] است و یقین با شکّ زائل نخواهد شد و از قواعد مقرّره‌ی فقهی است: اَلْیَقِینُ لاٰ یَرْتَفِعُ بِالْشَّکِّ.

فائده ۸ ـ هرگاه مردی با زنی ازدواج کرد و برایش معلوم شد که این زن خواهر رضاعی او است فساد ازدواج برای هر دوی ایشان بیان و ثابت خواهد شد و واجب است امتناع و خودداری این مرد از این زن و سپس معامله و رفتارشان باهم به مثل برادر و خواهر نسبی می‌باشد.

حکمت حرمت به سبب رضاع

رضاع از این لحاظ سبب تحریم است چون جزء مرضعه که شیرش می‌باشد به وسیله‌ی تغذیه جزء رضیع شده است و به همین سبب رضاع در تحریم به نسبت شباهت پیدا کرده است. ذکور و اناثی که رابطه‌ی رضاعی با هم دارند ازدواجشان با هم حرام و نظر و خلوتشان با هم مُباح است و رضاع به سبب توارث نخواهد شد.

در امر رضاع نباید تساهل شود:

بسیاری از مادران در اثر تساهل و بی‌مبالاتی اطفال خود را در آغوش و دامن زنان متعدّد مبتلا به شیرخوارگی می‌کنند بی‌خبر از اینکه از این کار چه آثار و نتیجه‌ی حرام و شوم و ناگواری به بار می‌آید و بسا اوقات در اثر این بی‌توجّهی مادران، ناخودآگاه شخصی با خواهر و یا عمّه و یا خاله و یا برادرزاده و یا خواهرزاده‌ی رضاعیش زن و شوهر خواهند شد. لذا بر مادران دلسوز و متدیّن واجب است در امر رضاع احتیاط کنند تا انسان در این محظور شرعی واقع نشود.

وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ أَوَّلاً وَآخِراً وَصَلاتُهُ وَسَلامُهُ عَلَىٰ سَيِّدِنا مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ وَعَلَىٰ آلِهِ وَصَحْبِهِ وَسَلَّمَ.

در پایان بر خود لازم می‌دانم از دوستانم: خصوصاً دانشمند عالیقدر جناب دکتر مصطفیٰ خرّم‌دل استاد دانشگاه کردستان، که در نشر و چاپ این رساله‌ی دینی زحمت کشیده‌اند، سپاسگزاری کنم.

عبدالعزیز تأیید

۱ـ فإنّه يحرم به ما يحرم بالرضاع، ولا يبطل عمله بمفارقة الثّدي، فإنّ كلّ ما انفصل من الحيّ ميّتٌ، إلّا اللَّبنَ والشَّعرَ والصُّوفَ، لضرورة الاستعمال.

منابع رساله

١ـ البيان في تصحيح الإيمان.

٢ـ تحفة السنية، حسن ابن المشاط.

٣ـ شرح الرحبيه، با تحقيق محمّد محيىالدين.

٤ـ فتح القريب، سنثورى.

٥ـ الفتح الوامض، شيخ عمر قرەداغى.

٦ـ فقه السنة، سيد سابق.

٧ـ فقه محمدى، شيخ محمد مردوخ.

٨ـ مغنى المحتاج، الشيخ محمد الشربينى.

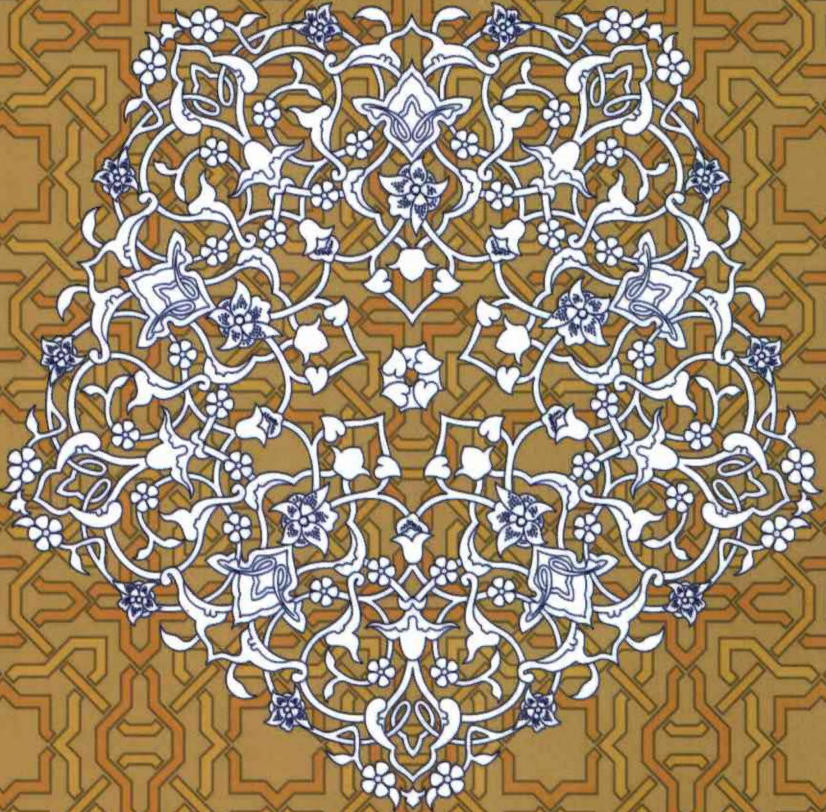
٩ـ المغنى، ابن قدامه.

١٠ـ منهاج الشريعه، شيخ محيى الدين عجوز.

١١ـ منهاج المسلم، ابوبكر الجزايرى.

١٢ـ المهذب، ابو اسحاق شيرازى.

١٣ـ يسألونك في الدين والحياة، دكتر احمد الشرباصى.







انتشارات امام ربانی
Emam Rabani
Publication